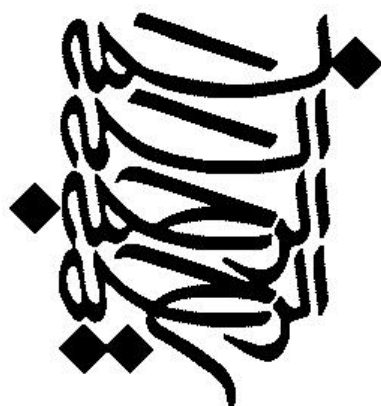




طبقه بندی آموزشی
چگونگی اسلامی شدن
مهندسی توسعه نظام اجتماعی

دفتر فرهنگستان علوم اسلامی

طبقه بندی آموزشی چگونگی اسلامی شدن
مهندسی توسعه نظام اجتماعی
(دفتر فرهنگستان علوم اسلامی)

تیراژ (محدود داخلی به شکل زیراکس): ۳۰ جلد
تاریخ تکثیر: اردیبهشت ۱۳۸۶
تکثیر: واحد تدوین و نشر معاونت ارتباطات فرهنگی

تلفن و دورنویس: ۷۷۳۴۳۹۰ - ۰۲۵۱

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
الف : تشریح عام جداول سه گانه.....	۱۰
۱ - عناوین سه جدول	۱۰
۲ - محل کاربرد عملی مدل‌های فوق	۱۱
- حوزه	۱۱
- دانشگاه	۱۱
- دولت	۱۲
۳ - عناوین جدول به صورت «ماتریسی»	۱۲
۴ - عناوین رئیسه در هر جدول	۱۲
۵ - محورهای مباحث	۱۲
۵/۱ - تعریف کثرت	۱۳
۵/۲ - تعریف نسبت	۱۳
۵/۳ - تعریف وحدت	۱۳
۶ - مباحث محوری	۱۴
ب: تشریح خاص جداول سه گانه.....	۱۴
۱ - تشریح جدول روند دستیابی به فلسفه چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی:	۱۴
۱/۱ - اصول انکارناپذیر:	۱۴
۱/۱/۱ - تغایر:	۱۵
۱/۱/۲ - تغییر:	۱۶

- ۱۷ ۱/۱/۳ - هماهنگی:
- ۱۷ ۱/۲ - مسائل اغماض ناپذیر:
- ۱۸ ۱/۲/۱ - نسبت بین وحدت کثرت:
- ۱۹ ۱/۲/۲ - نسبت بین مکان و زمان:
- ۱۹ ۱/۲/۳ - نسبت بین اختیار و آگاهی:
- ۲۰ ۱/۳ - مراحل اجتناب ناپذیر:
- ۲۰ ۱/۳/۱ - اصالت ربط (در تعریف تعین کثرت):
- ۲۱ ۱/۳/۲ - اصالت تعلق (در تعریف ربط):
- ۲۲ ۱/۳/۳ - اصالت فاعلیت (در تعلق):
- جدول طبقه‌بندی آموزشی دستیابی به «فلسفه چگونگی» اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی ۲۴
- ۲ - تشریح جدول ۲۴
- ۲/۱ - نظام اصطلاحات (فضای نظری تحلیل فرضی موضوعات): ۲۵
- ۲/۱/۱ - مبنای اصطلاحات در تحلیل تکامل فاعلیت: ۲۶
- ۲/۱/۲ - اصطلاحات پایه‌ای در تبدیل اصطلاحات ۲۷
- ۲/۱/۳ - نظام اصطلاحات ۲۸
- ۲/۲ - نظام تعریف کیفی یا جایگاه مفروض موضوعات تحلیلی: ۲۹
- ۲/۲/۱ - تعریف منزلت‌ها: ۲۹
- ۲/۲/۲ - تعریف تبدیل نظام مقوم: ۳۰
- ۲/۲/۳ - تعریف نسبییت ۳۰
- ۲/۳ - نظام توزین کمی یا تناسب کمی مفروض در تحلیل موضوعات ۳۰
- ۲/۳/۱ - نسبت های اندازه ای: ۳۱

۲/۳/۲ - نظام توزین:	۳۱
۲/۳/۳ - نسبت اندازه ای:	۳۲
جدول طبقه‌بندی آموزشی «ارکان مدل نظری» چگونگی اسلامی شدن	
مهندسی توسعه نظام اجتماعی	۳۳
۳ - تشریح جدول کاربرد عملی چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه	
نظام اجتماعی:	۳۴
۳/۱ - تکامل حجیت یا گسترش تفقه در آسناد، استناد، اسناد:	۳۴
۳/۲/۱ - تعبد در تفقه:	۳۶
۳/۱/۲ - تقنین در تفقه:	۳۷
۳/۱/۳ - تفاهم در تفقه:	۳۸
۳/۲ - اسلامیت معادلات	۳۸
۳/۲/۱ - مشاهده اسقرائی:	۳۹
۳/۲/۲ - سنجش قیاسی:	۴۰
۳/۲/۳ - آزمون و خطا:	۴۱
۳/۳ - جریان اسلامی اداره	۴۲
۳/۳/۱ - تصمیم سازی:	۴۴
۳/۳/۲ - تصمیم گیری:	۴۵
۳/۳/۳ - اجرا	۴۵
جدول طبقه‌بندی آموزشی «کاربرد عملی» چگونگی اسلامی شدن	
مهندسی توسعه نظام اجتماعی	۴۷

مقدمه

تحقق آرمانهای ارزشی جامعه ما نیازمند فعالیتهای عمیق فرهنگی و پژوهشی در زمینه اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی است. مهندسی توسعه نظام، به معنای چگونگی شکل دهی و ترسیم روند تکامل جامعه است و اسلامیت آن نیز درگرو بسترسازی جهت تحقق ارزشهای اسلامی می باشد. تحقق این اهداف آرمانی، جز از طریق اسلامی شدن امر اداره، امکان پذیر نیست؛ هر چند که بتوان در مرحله التزام فطری مطلوبیت هایی را ترسیم نمود. اما در صورتی که ایجاد محیط اجتماعی در اختیار مهندسین غیر اسلامی روابط اجتماعی باشد، تعارض بین مطلوبیتهای نظری و شرائط محیطی اجتماعی قدرت را به نفع شرایط محیطی تغییر می دهد و عملاً مسئله سرپرستی جامعه در اختیار فرهنگ بیگانه قرار خواهد گرفت.

اسلامی شدن مهندسی توسعه اجتماعی، به معنای جریان اسلامی اداره نظام است که حاصل آن در سطح اول برابر با توسعه مصونیت از آسیب،

در سه بعد «مصونیت سیاسی، مصونیت فرهنگی و مصونیت اقتصادی» و در سطح دوم جریان عدالت اجتماعی، در سه بعد «عدالت اجتماعی، عدالت فرهنگی و عدالت اقتصادی» و در سطح سوم ایجاد کرامت انسانی و تعاون بر آن در سه بعد «کرامت سیاسی، کرامت فرهنگی و کرامت اقتصادی» می‌باشد.

بعد از بیان مختصری در «ضرورت»، صحبت از «چگونگی» اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی است که در این معرفی‌نامه به طور اختصار سه جدول مورد دقت قرار گرفته و به گونه‌ای آموزشی طبقه بندی شده است.

الف: تشریح عام جداول سه گانه

توجه به نکات زیر، جهت آشنایی با عناوین طبقه بندی شده در جداول مزبور ضروری است:

۱- عناوین سه جدول

عنوان جدول اول: طبقه بندی آموزشی روند دستیابی به «فلسفه چگونگی» اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی است، که این به معنای توجه به مسیر استدلالی یا «تغییرات» و «تکامل» چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه می‌باشد.

عنوان جدول دوم: طبقه بندی آموزشی «ارکان مدل نظری» چگونگی

اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی است.

مراد از مدل نظری در عنوان فوق، مجموعه روابطی است که ارکان زیر ساخت ساده کردن موضوع را ارائه می نماید.

عنوان جدول سوم: طبقه بندی آموزشی «کاربرد عملی» چگونگی

اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی است.

۲- محل کاربرد عملی مدل های فوق

دراین مرحله توجه به کاربرد عملی مدل نظری فوق در زیرساخت مدل تولید مدل های خاص، در سه بخش زیر است.

- حوزه

کاربرد عملی زیرساخت مدل نظری در حوزه، «تکامل حجیت» در فهم دین می باشد. این امر پایگاه اسلامیت مهندسی توسعه نظام اجتماعی است.

- دانشگاه

کاربرد علمی زیرساخت مدل نظری در دانشگاه، «تولید مدل دستیابی به اسلامی شدن معادلات کاربردی» می باشد که به معنای اسلامی شدن موضوعات مهندسی توسعه نظام اجتماعی است.

- دولت

کاربرد عملی زیرساخت مدل نظری در دولت، «تولید مدل دستیابی به جریان اسلامی اداره» است که به معنای اسلامی شدن آثار مهندسی توسعه نظام اجتماعی می‌باشد.

۳- عناوین جدول به صورت «ماتریسی»

عناوین جدول به صورت «ماتریسی» تنظیم شده است، بدینگونه که هر جدول شامل سه ستون عمودی و سه سطر افقی است هر کدام از ستونها و سطرها نیز دارای سه عنوان شامل سه سطر افقی و ستون عمودی می‌باشد.

از ضرب این دو دسته عناوین افقی و عمودی، نه خانه در هر جدول به دست می‌آید.^۱

عناوین رئیسه در ستون، بیان کننده مباحث محوری در جدول است و عناوین رئیسه در سطر نیز بیان کننده «محورهای مباحث مطرح شده در جدول می‌باشد که عناوین نه گانه درون جدول را تحویل می‌دهد.

۴- عناوین رئیسه در هر جدول

در هر جدول، عناوین رئیسه در سطر معرف مباحث محوری و عناوین رئیسه در ستون، معرف محورهای مباحث است.

۵- محورهای مباحث

در محورهای مباحث توجه به مطالبی است که به صورت مشترک باید در سه جدول حضور داشته باشد. از آنجایی که در مهندسی توسعه

۱ - نحوه ضرب عناوین در جدول ماتریسی به صورت منطقی قابل اثبات است.

نظام اجتماعی، توجه به چگونگی شکل گیری یک «کل متغیر» اجتماعی است، محورهای اشتراک شامل عناوینی است که مقومات یک کل متغیر را بیان می کند و این مقومات تا آخر (یعنی مرحله کاربرد عملی) در تمامی مباحث به نحوه های مختلف، حضور پیدا می کند. این محورها به ترتیب عبارتند از:

۵/۱- تعریف کثرت

اولین محور در تعریف یک کل متغیر، توجه به «کثرت» و تعریف آن است که بدون توجه به آن، امکان عقلی تحلیل و تولید و کاربرد یک کل متغیر وجود ندارد.

۵/۲- تعریف نسبت

دومین محور در تعریف یک کل متغیر، توجه به نسبت بین کثرتهاست. از آنجا که کثرت در هر کل، کثرتهای بریده و منقطع از یکدیگر نیست و در ارتباط، داد و ستد و تأثیر و تأثر می باشند و لذا توجه به مسئله «نسبت» نیز (اعم از اینکه نسبت امری اعتباری و یا حقیقی باشد) امری ضروری است.

۵/۳- تعریف وحدت

سومین محور در تعریف یک کل متغیر، توجه به وحدت آن کل است و از اموری است که اگر مورد بررسی واقع نشود امکان عقلی تعریف یک

کل متغیر از بین خواهد رفت.

۶- مباحث محوری

مباحث محوری بیانگر وجوه اختلاف در سه جدول با عناوین مختلف مطرح می‌شود که توضیحات هر کدام از مباحث در جای خود بیان خواهد شد. از آنجا که عناوین رئیسه در ستون، مشترک می‌باشد در توضیح عناوین داخلی جدول از تکرار تعریف آن خودداری می‌گردد. بدین ترتیب سیر توضیح جداول سه گانه به صورت ستونی خواهد بود و هر جدول در بردارنده سه ستون می‌باشد که در هر ستون عنوان اول عنوان رئیسه آن ستون محسوب شده و سه عنوان بعد حاصلضرب آن عنوان در عناوین محورهای مباحث است.

ب: تشریح خاص جداول سه گانه:

۱ - تشریح جدول روند دستیابی به فلسفه چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی:

مباحث محوری در این جدول عبارتند از: اصول انکارناپذیر، مسائل اغماض ناپذیر و مراحل اجتناب ناپذیر.

۱/۱ - اصول انکارناپذیر:

این اصول عبارتند از اصولی که به صورت غیرقابل انکار، پایگاه فلسفی شکل گیری یک کل متغیر را مورد بررسی قرار می دهد؛ به گونه - ای که اقرار و انکار نسبت به این اصول نتیجه ای مساوی را در بر دارد؛ یعنی کسی که این اصول را انکار می کند در انکار خود الزاماً آن اصول را به کار می گیرد؛ لذا ناگزیر از پذیرش آن - ولو در عمل - می باشد.

متناظر این اصول در دستگاه منطقی ارسطویی، بداهت های اولیه ای است که زیربنای شکل گیری مفاهیم منطقی می باشد. وجه اختلافی را که می توان بین بداهت های اولیه ارسطویی و اصول انکارناپذیر ذکر نمود، جامعیت و شمول این اصول انکارناپذیر نسبت به بداهت های اولیه ارسطویی است. اصول انکارناپذیر عبارتند از «تغایر»، «تغییر»، «هماهنگی».

۱/۱/۱ - تغایر:

محور اول در اصول انکارناپذیر «تغایر» است که در روند تحلیل زیرساخت تعریف کثرت، در یک کل متغیرمورد دقت قرار گرفته است. تغایر یا غیریت داشتن، بیانگر وجود حداقل اختلاف و کثرت در یک کل متغیر است که لازمه نفی آن، یکسانی و بساطت محض و در نهایت، نفی کل متغیر را به دنبال دارد.

این اصل از آن جهت انکارناپذیر است که:

اولاً: نفی وانکار آن با پذیرش آن دارای نتیجه‌ای واحد است؛ یعنی منکر اصل اختلاف و تغایر در یک کل متغیر و در انکار خود حداقل اختلاف بین سلب و ایجاب را پذیرفته لذا ملزم به تبعیت می‌باشد. ثانیاً: عمومیت و شمولیت این اصول به گونه‌ای است که تمامی مکاتب مختلف فلسفی ناگزیر از قبول و اقرار نسبت به آن می‌باشند.

۱/۱/۲- تغییر:

محور دوم از اصول انکارناپذیر در روند تحلیل زیرساخت یک کل متغیر «اصل تغییر» است. «تغییر» در حداقل مرتبه تعریف، به معنای رفتن از وضعیتی به وضعیت دیگر است که در این دگرگونی نحوه‌ای از تبدیل صورت می‌گیرد و نافی هر نوع ایستائی و عدم تحرک است.

در بیان اصل تغییر اعم از اینکه تغییر را در ذات ماهیت و یا هیولا و جوهر و یا در اعراض مطرح کنیم و یا اینکه شیئی را با تغییرات خودش برابر دانسته و بعد آن فرض کنیم در تمامی فروض فوق ملزم به بیان یک نسبت می‌باشیم که در این نسبت شیئی از وضعیت قبل به وضعیت جدید هدایت شده است.

این اصل از آن جهت انکارناپذیر است که:

اولاً: اقرار و انکار این اصل نتیجه‌ای مساوی را در بردارد، یعنی منکر اصل تغییر (در یک کل متغیر) در انکار خود حداقل تبدیل را در وضعیت

قبل از انکار و بعد از انکار می‌پذیرد.

ثانیاً عمومیت و شمول این اصل نیز به گونه‌ای است که تمامی مکاتب مختلف فلسفی ناگزیر از قبول و اقرار نسبت به آن می‌باشند.

۱/۱/۳ - هماهنگی:

محور سوم از اصول انکارناپذیر در روند تحلیل زیرساخت یک کل متغیر «اصل هماهنگی» است. هماهنگی به معنای هم راستا و هم جهت شدن حداقل دو موضوع با موضوع سوم است و لذا اختلافات در هماهنگی به وحدت رسیده و هماهنگ می‌شوند. ملاحظه وحدت چه از دیدگاه وحدت ماهوی و یا در اصالت وجود حداقل هماهنگی و هم جهتی را در خودپذیرا می‌باشد.

این اصل از آن جهت انکارناپذیر است که:

اولاً: اقرار و انکار آن نتیجه‌ای مساوی در بر دارد؛ یعنی منکر اصل هماهنگی در پیدایش وحدت در یک کل متغیر در انکار خود ناگزیر از قبول حداقل هماهنگی بین مقدمات و نتایج قول خود است.

ثانیاً: عمومیت و شمول این اصل نیز به گونه‌ای است که تمامی مکاتب مختلف فلسفی ناگزیر از قبول و اقرار نسبت به آن می‌باشند.

۱/۲ - مسائل اغماض ناپذیر:

مسائلی است که در تحلیل یک کل متغیر نمی‌توان آن مسائل را نادیده گرفته و از آن چشم‌پوشی نمود. زیرا صرف نظر کردن از این مسائل، روند تحلیل را در زیر ساخت فلسفی جهت (دستیابی به فلسفه چگونگی اسلامی شدن مهندسی) دچار اختلاف می‌نمایند. این مسائل عبارتند از: «نسبت بین وحدت و کثرت»، «نسبت بین زمان و مکان»، «نسبت بین اختیار و آگاهی».

۱/۲/۱ - نسبت بین وحدت و کثرت:

جهت دستیابی به چگونگی تحلیل و تولید یک کل متغیر تنها تکیه به کثرت کافی نیست بلکه در یک کل متغیر توجه اساسی به نظام شکل‌گیری آن کل است (نه کثرت و وحدت به تنهایی). از مسائلی که در نظام شکل‌گیری یک کل نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، توجه به نسبت «بین وحدت و کثرت» است. از جمله اختلافهای اساسی فلسفه شدن اسلامی بادیگر فلسفه‌ها در بیان مسائل اغماض ناپذیر در تعین یک کل متغیر است. زیرا این فلسفه نسبت بین وحدت و کثرت را عامل اصلی تعین می‌داند، بر خلاف فلسفه اصالت ماهیت که قائل به وحدت ماهوی است و نسبت را امری اعتباری و غیر حقیقی تلقی می‌کند و همچنین فلسفه اصالت وجود که کثرت را از شئون وحدت دانسته و وحدت را اصل در تعین یک کل می‌داند.

۱/۲/۲ - نسبت بین مکان و زمان:

از دیگر مسائل اغماض ناپذیر در مهندسی توسعه جامعه، بررسی «نسبت بین زمان و مکان» است در توسعه اجتماعی آنچه که اساس در پیش بینی، هدایت و کنترل تغییرات جامعه است و متغیر اصلی آن محسوب می شود توجه به «نسبت بین زمان و مکان» در تغییرات است. یعنی نمی توان بدون دقت در «نسبت بین زمان و مکان» ادعای مهندسی تغییرات جامعه و گذر از مرحله ای به مرحله جدید از توسعه را نمود. تکیه کردن به تعاریف انتزاعی زمان و مکان به صورت منفصل و جدا از هم نمی تواند پاسخگوی این مسئله در مهندسی یک کل متغیر باشد.

۱/۲/۳ - نسبت بین اختیار و آگاهی:

از دیگر مسائلی که در مهندسی یک نظام اجتماعی غیر قابل اغماض است، توجه به نسبت بین اختیار و قدرت تصمیم گیری مردم با اطلاعات و آگاهی های اجتماعی است. در مهندسی یک نظام، نسبت بین اطلاعات تخصیصی باید متناسب با مرحله تصمیم گیری اجتماعی باشد در صورتی که این نسبت رعایت نشود و اطلاعات به گونه ای غیر متناسب در سطح جامعه تقسیم شود، روند تکاملی جامعه دچار اختلاف خواهد شد. به عبارت دیگر همانگونه که در پرورش یک فرد نمی توان بیش از ظرفیت جسمی، فکری و روحی آن فرد، او رانسبت به مسائل

آگاه نمود - و چه بسا عدم ظرفیت و تحمل وی منجر به انحطاط و انحراف او گردد - در مهندسی یک نظام اجتماعی نیز ملاحظه ارتباط و نسبت بین توان و ظرفیت تصمیم گیری جامعه و میزان اطلاعات، امری اغماض ناپذیر می باشد.

۱/۳ - مراحل اجتناب ناپذیر

سومین موضوع از موضوعات و مباحث محوری مطرح شده در روند دستیابی به فلسفه چگونگی، «مراحل اجتناب ناپذیر» است بدین معنا که در روند دستیابی به فلسفه چگونگی، گذر از مراحل سه گانه ذیل امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. به تعبیر دیگر فلسفه شدن اسلامی همانند سایر موضوعات به صورت دفعی حاصل نمی شود بلکه تکوّن آن به صورت تدریجی بوده، لذا دارای مراحل است، این مراحل عبارتند از: «اصالت ربط در تعریف تعین کثرت» و «اصالت تعلق در تعریف ربط» و «اصالت فاعلیت در تعریف تعلق» که ذیلاً به شرح آن می پردازیم.

۱/۳/۱ - اصالت ربط (در تعریف تعین کثرت):

بعد از نفی انفصال مطلق و اتصال مطلق بین اشیاء و پدیده ها، ارتباط بین موضوعات در تعریف تعین کثرتهای یک نظام اصالت پیدا می کند، یعنی تعیین اشیاء در رابطه است و اگر رابطه قطع شود هیچ موضوعی اعم

از موضوعات عینی، فکری و روحی نمی تواند در نظام شکل بگیرد. به عبارت دیگر کسب خصوصیت یک شیء نه از ناحیه ذات درونی آن شیء است - به نحو مطلق - و نه از ناحیه شرائط حاکم بر آن - به نحو مطلق - بلکه از ناحیه نحوه تأثیر و تأثر و ارتباط و داد و ستدی است که این شیء با سایر اشیاء و شرائط حاکم پیدا می کند. مهندسی نظام اجتماعی در ایجاب یک کل متغیر، اصل ارتباط این کل را با سیر کلها و نظامها مهم دانسته و در شناسائی متغیرهای درونزا و برونزا توجه به ربط را اصل می - داند. اما با توجه به مسائل فوق جهت دستیابی به «شدن اسلامی» تنها توجه به مسئله ربط و اصالت دادن به آن در ایجاد و کنترل یک کل متغیر کافی نیست؛ یعنی اصالت ربط به تنهایی نمی تواند از «شدن اسلامی» توصیفی منطقی ارائه نماید، زیرا در اصالت ربط، حقیقت تعین، متکی به ارتباطات آن است و این به معنای ملاحظه موضوع و ارتباط آن در یک وضعیت استاتیک و ایستا است. لذا اصالت ربط در تعریف تعین کثرت قابل دقت است اما از بیان حقیقت ربط در ایجاد یک حرکت در کل متغیر ناتوان است.

۱/۳/۲ - اصالت تعلق (در تعریف ربط):

با توجه به ناتوانی اصالت ربط در «توصیف شدن» باید حقیقت ربط را مورد دقت قرار داد. در این مرحله اصالت تعلق در تعریف ربط مطرح می شود. «تعلق به معنای جاذبه و کشش و میل است و بیانگر حقیقتی

است که عامل پیوستگی و ارتباط بین موضوعات در یک نظام و کل متغیر می‌باشد. ورود به این مرحله علاوه بر توجه به اصل بودن تعلق در تعریف ربط، مسئله هدف داری نظام نیز مطرح می‌شود؛ زیرا در تعلق، جاذبه‌ای است که کثرت را به وحدت رسانده و این تعلق به غایت است که نظام را تشکیل می‌دهد. لذا در تحلیل زیرساخت تعریف نسبت در یک کل متغیر، اصالت تعلق از زمره امور اجتناب ناپذیر قابل طرح می‌باشد.

اما با توجه به مسائل فوق حقیقت تعلق چیزی جز جاذبه و میل نیست و این جاذبه و میل به تنهایی نمی‌تواند مصحح تغییر و شدن باشد، یعنی دیگر تعلق در ذات خود پذیرای حرکت نیست چون ذاتی متعین و متکلیف است.

۱/۳/۳ - اصالت فاعلیت (در تعلق):

با توجه به ناتوانی اصالت تعلق در توصیف «شدن» بایستی قید دیگری را جستجو نمود تا بتواند حرکت و شدن را توصیف نماید که آن قید «فاعلیت» است. فاعلیت به معنای حاکمیت بر تعین است یعنی قدرتی که توان شکستن تعین را داشته و می‌تواند از وضعیت متعین فعلی خود را خارج و در وضعیت جدید قرار دهد. لذا دارای ذاتی غیر متعین است و تحت رابطه نیست بلکه فوق رابطه عمل می‌کند.

در این مرحله، تعلق فاعل برای وصول به کمال و توسعه، تعلق به نقشه ثابت است که مراتب تکامل را برای او ترسیم می‌کند، هر چند که

در این مرحله، اصل فاعلیت می‌تواند حرکت و شدن را از یک وضعیت به وضعیت جدید توصیف کند و اصل عدم تعین اثبات می‌گردد. اما این سؤال هنوز باقی است که اگر تعلق فاعل صرفاً تعلق به نقش واحد و ثابتی باشد حرکتی صورت می‌پذیرد؟ از اینرو در این مرحله که آخرین مرحله اثبات روند دستیابی به «فلسفه شدن» است مقدمه طرح «اصالت ولایت در فاعلیت» مطرح میشود که در جدول ارکان توضیح داده خواهد شد.

جدول طبقه بندی آموزشی دستیابی به «فلسفه چگونگی» اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی

مباحث محوری (روند دستیابی) محورهای مباحث (روند دستیابی)	اصول انکارناپذیر	مسائل اغماض ناپذیر	مراحل اجتناب ناپذیر
محور اول روند تحلیل زیر ساخت تعریف کثرت (در یک کل متغیر)	تغایر	ضرورت تحلیل نسبت بین وحدت وکثرت (در کل متغیر)	اصالت ربط در تعریف تعین کثرت (در کل متغیر)
محور دوم روند تحلیل زیرساخت تعریف نسبت (در یک کل متغیر)	تغییر	نسبت بین زمان ومکان	اصالت تعلق در تعریف ربط
محور سوم روند تحلیل زیر ساخت تعریف وحدت (در یک کل متغیر)	هماهنگی	نسبت بین اختیار و آگاهی	اصالت فاعلیت در تعریف تعلق

۲- تشریح جدول

ارکان مدل نظری چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی:

مباحث محوری در جدول «ارکان مدل نظری» عبارتند از: نظام اصطلاحات، نظام تعریف کیفی و نظام توزین کمی - به طور کلی در مدل سازی ابتدا باید فضا سازی نمود (نظام اصطلاحات) در مرحله دوم باید

بتوان در فضای فرضی تحلیل، جایگاه موضوع را از نظر نسبتی که با سایر امور دارند مشخص نمود (نظام تعریف کیفی) و در مرحله بعد آن نسبت های کیفی را به کمیت تبدیل نموده و وزن تأثیر هر کدام را در کل معین نمود (نظام توزین کمی).

۲/۱ - نظام اصطلاحات (فضای نظری تحلیل فرضی موضوعات):

تولید مدل نظری اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی در ابتدا نیازمند ایجاد فضای نظری است تا بتواند در این فضا تولید شده و بعد جایگاه پیدا کند. شناسایی و تولید هر کل متغیر، اعم از نظام اجتماعی و یا ابزار و اشیاء عینی و یا حتی یک کلمه، در یک فضا میسر است. به تعبیر منطقی، هر شیء دارای شرایطی است که ملاحظه آن شیء بدون لحاظ آن شرایط، امری ممتنع است. طرح نظام اصطلاحات به منزله ایجاد فضای نظری است که قدرت تحلیل و تولید و شمول مدل نسبت به موضوعات، بستگی به قدرت فضا سازی آن - در نظام اصطلاحات دارد. به هر میزان که این بخش، توسعه بیشتری داشته باشد جایگاه موضوع خاص - یعنی نسبت آن با سایر امور - دقیق تر معین می شود. جهت تولید این محور باید ابتدا مبنای اصطلاحات - اصطلاحات پایه و نظام اصطلاحات - در سه محور «کثرت»، «تبدیل نسبت» و «وحدت» بررسی شود.

۲/۱/۱ - مبنای اصطلاحات در تحلیل تکامل فاعلیت:

ایجاد فضای نظری تحلیل، مبتنی بر فضای فلسفی است که در جدول قبل مقدماتی برای آن ذکر گردید. در بحث اصالت فاعلیت در تعلق هر چند که اصل عدم تعین می‌تواند مصحح حرکت و شدن باشد اما تعلق فاعل به نقشه ثابت به گونه‌ای دیگر تحرک فاعل را قفل می‌نماید. از این رو فاعلیت مطلقه واحد جایگزین نقشه ثابت (به عنوان غایت و هدف تعلق فاعل) می‌گردد.

حاصل تکامل فاعلیت در تحلیل مبنای شدن این است که فاعل به دلیل نیازمندی، توسعه یاب است و اعطای توسعه به فاعل از جانب فاعلیت مطلقه‌ای است که بی نیاز است. از ارتباط بین این دو فاعل (یعنی مخلوق و خالق) مبنای فلسفی تحلیل حرکت و شدن اسلامی به دست می‌آید، یعنی صرف الطلب از ناحیه عبد و اعطاء متناسب با طلب از ناحیه مولا اولین هسته حرکت فاعل را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر عبد باتولی خود نسبت به مولا، ولایت او را در توسعه فاعلیت خود طلب می‌نماید و این توسعه فاعلیت زمینه تصرف فاعل را در مادون خود فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان حداقل سه ارتباط را به فاعل نسبت داد:

۱ - فاعلیت مطلق ربوبی اصل ظرفیت تولی را در عبد ایجاد نموده و

شرایط ولایت و سرپرستی او را فراهم می‌آورد (ولایت)

۲ - عبد برای توسعه خود از فاعلیت ربوبی طلب سرپرستی می‌کند (تولی).

۳ - فاعلیت مطلقه ربوبی متناسب با میزان طلب و تقاضای عبد، او را امداد نموده و در او تصرف می‌کند (تصرف)

در اولین محور ارکان تولید زیر ساخت، بحث از چگونگی پیدایش کثرت در اصطلاحات است که چگونگی تولید کثرت بدون توجه به مبنای اصطلاحات امری ناممکن است، لذا در این موضوع با دستیابی به مبنای اصطلاحات، زیربنای شکل‌گیری کثرت پیدا می‌شود. (خود مبنا نیز در درون خود یک ذات بسیط نیست بلکه دارای ابعاد متکثر است و این ابعاد سه گانه عبارتند از: «ولایت»، «تولی»، «تصرف».

۲/۱/۲ - اصطلاحات پایه‌ای در تبدیل اصطلاحات

در این قسمت بعد از دستیابی به مبنای تکثیر اصطلاحات و براساس آن، اولین اصطلاح که اصطلاحات نسبی است تولید می‌شود؛ یعنی اصطلاحاتی که قدرت ایجاد نسبت بین مبنا و اصطلاحات متکثر را در نظام داشته باشد. به تعبیر دیگر ایجاد فضای مفهومی در تحلیل مفروضات نیازمند اصطلاحاتی است که این اصطلاحات از طریق اصطلاحات واسطه‌ای به یک مبنا متصل و مرتبط باشند؛ یعنی باید یک مبنا، توان

پوشش اصطلاحات (فضای مفهومی) را نسبت به تمامی موضوعات دارا باشد.

این اصطلاحات عبارتند از:

- ۱ - «توسعه» که دارای معنا و مفهوم زمانی است.
- ۲ - «ساختار» که دارای معنا و مفهوم مکانی است.
- ۳ - «کارایی» که بیانگر نسبت بین توسعه و ساختار است.

۲/۱/۳ - نظام اصطلاحات

در این قسمت بعد از دستیابی به اصطلاحات پایه ای، این اصطلاحات به شیوه‌ای خاص (که خود این شیوه نیز برخاسته از مبنای شکل گیری اصطلاحات است) به صورت افقی و عمودی در هم ضرب شده و «تکثیر» می‌شوند تا بتواند یک نظام اصطلاحات واحد و فراگیر را ارائه کنند. حد تکثیر از کوچکترین نظام که دارای ۲۷ وصف، تا بزرگترین نظام که دارای ۷۶۰۰ میلیارد وصف است معرف بسته بودن نظام اصطلاحات است.

بعد از تکثیر اصطلاحات در یک دسته بندی کلی آنها را «تنظیم» نموده و در آخر «متناظر» اصطلاحات ضرب شده را با مفاهیم عینی به دست می‌آوریم. مراحل که در شکل گیری نظام اصطلاحات طی می‌شوند:

- ۱ - مرحله تکثیر اصطلاحات به شیوه‌ای خاص

۲ - مرحله تنظیم اصطلاحات تکثیر شده به شیوه‌ای خاص

۳ - مرحله تناظر سازی اصطلاحات به دست آمده با اصطلاحات عینی

به شیوه‌ای خاص

۲/۲ - نظام تعریف کیفی یا جایگاه مفروض موضوعات تحلیلی:

بعد از دستیابی به فضای نظری در تحلیل فرضی موضوعات و تولید این ظرفیت جامع و شامل، در این مرحله باید قدرت تعریف جایگاه موضوعات را در این فضای نظری داشته باشیم، تا بتوانیم براساس تعیین جایگاه مفروض عوامل درونزا و برونزا، موضوع را به صورت کیفی مشخص کنیم. هنر «نظام تعریف» این است که کل فضای فلسفی را طبقه بندی کرده و امکان تعریف نظام های شامل و مشمول را به صورت خاص در این فضا معین می نماید. جهت دستیابی به نظام تعریف کیفی باید تعاریف کیفی را در سه محور «تعریف کثرت»، «تعریف تبدیل نسبیت» و «تعریف وحدت» مورد دقت قرار داد.

۲/۲/۱ - تعریف منزلت ها:

اولین قدم در شکل گیری نظام تعریف کیفی، تعیین منزلت موضوعات می باشد. تعیین منزلت به معنای تعیین جای هر موضوع نسبت به سایر موضوعات است آن هم به گونه‌ای که میزان وابستگی هر

موضوع به سایر موضوعات قابل تشخیص باشد. وابستگی منزلتها به یکدیگر نمودار نظام متقوم در تعریف منزلت هاست.

۲/۲/۲ - تعریف تبدیل نظام متقوم:

در این مرحله، تعریف از حالت ایستا خارج شده و به غرض ایجاد تبدیل در موضوع انجام می‌پذیرد. تبدیل موضوع از طریق متحول ساختن نظام منزلت های داخلی و خارجی موضوع انجام می‌گردد و این به معنای تغییر نسبت موضوعات به یکدیگراست.

۲/۲/۳ - تعریف نسبیت

در این مرحله معادل کیفی در یک کل متغیر به دست می‌آید چرا که چگونگی تغییر کثرت برای ایجاد وحدت جدید به دست آمده است. حاکمیت جهت واحد در تعریف نسبیتی، منزلت موضوعات تعریف شده را در یک نظام واحد تعریف می‌نماید.

۲/۳ - نظام توزین کمی یا تناسب کمی مفروض در تحلیل

موضوعات

بعد از این که توانستیم در فضای نظری جایگاه موضوعات تحلیلی را مشخص کنیم جهت مهندسی توسعه نظام اجتماعی و اداره اسلامی نظام، موضوعات تعریف شده باید وزن داشته و مقدار آنها مشخص شود. به

تعبیر دیگر امر اداره نظام، متقوم به تعیین تناسبات کمی بین موضوعات در نظام تعریف است و این تناسبات کمی ابزار تصرف و کنترل جامعه می-باشند زیرا با تغییر نسبت های کمی، کیفیت ها تغییر و کنترل می شود؛ یعنی کمیت، ابزار تغییر نسبت است و با تغییر نسبت ها کیفیت ها عوض می شوند.^۲

جهت دستیابی به نظام توزین کمی نیز باید نسبت های کمی را در سه محور «کثرت»، «تبدیل نسبت» و «وحدت» مورد دقت قرار داد.

۲/۳/۱ - نسبت های اندازه ای:

در این مرحله نظام منزلت های به دست آمده، از نظام کیفی به صورت کمی در می آید بدین معنی که بیان نسبت هر موضوع به سایر موضوعات مربوط به آن به صورت ریاضی است، متنها هنوز نسبت های ریاضی مفسر کیفیت تغییر نیستند.

۲/۳/۲ - نظام توزین:

در این مرحله کیفیت تبدیل نسبت های کمی شده از مرحله قبل، معین می گردد تا بتوان با دقت افزون تری به اهداف مورد نظر رسید.

۲ - مبتنی بر مباحث مطرح شده، در جدول روند دستیابی نسبت ها اصل در تعیین موضوع می-باشند.

۲/۳/۳ - نسبیت اندازه ای:

در این مرحله معادلات کیفی به معادلات کمی و قابل اندازه گیری تبدیل می شود تا بر این اساس بتوان در مراحل بعدی پژوهش، تخصیص کمی را بر اساس مبانی و اهداف اسلامی ترسیم و محقق نمود.

جدول طبقه بندی آموزشی «ارکان مدل نظری» چگونگی اسلامی شدن

مهندسی توسعه نظام اجتماعی

مباحث محوری (در ارکان)	محورهای مباحث (در ارکان)	نظام اصطلاحات یا فضای نظری تحلیل فرضی موضوعات	نظام تعریف کیفی یا جایگاه مفروض موضوعات تحلیلی	نظام توزین کمی با تناسبات کمی مفروض در تحلیل موضوعات
محور اول ارکان تولید زیرساخت تعریف کثرت (در یک کل متغیر)	مبنای اصطلاحات در تحلیل تکامل نظام فاعلیت ۱ - ولایت ۲ - تولی ۳ - تصرف	تعریف منزلتها در نظام متقوم	نسبتهای اندازه‌ای در دسته بندی های متنوع	
محور دوم ارکان تولید زیرساخت تعریف نسبت (در یک کل متغیر)	اصطلاحات پایه‌ای در تبدیل اصطلاحات ۱ - توسعه ۲ - ساختار ۳ - کارآیی	تعریف نظام متقوم در تبدیل منزلتها	نظام توزین در تبدیل اندازه های نسبی	
محور سوم ارکان تولید زیرساخت تعریف وحدت (در یک کل متغیر)	نظام اصطلاحات در تولید ظرفیت تحلیل نظری ۱ - تکتیر ۲ - تنظیم ۳ - تناظر	تعریف نسبییت اسلامی در تحلیل نظام موضوعات	نسبیت اندازه‌های اسلامی در تحلیل توزین موضوعات	

۳- تشریح جدول کاربرد عملی چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی:

در این جدول نیز بحث از کاربرد عملی مدل نظری تولید شده در جدول قبل (جهت اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی) است که جهت این کار در ابتدا صحبت از اسلامی شدن مهندسی است. لذا در بحث محوری اول، مسئله «تکامل حجیت» یا گسترش تفقه در سه سطح «اسناد»، «استناد» و «اسناد» مورد دقت قرار می‌گیرد و در بحث محوری دوم، مسئله «اسلامیت معادلات» در سه سطح ارائه یک «نظام کارآمد اسلامی» و «اسلامی شدن محصولات نظاما اجتماعی» و همچنین اسلامی شدن آثار به معنای «برتری تمدن اسلامی» و در بحث محوری سوم «جریان اسلامی شدن اداره نظام» یا گسترش بهینه اسلامی در سه سطح «توسعه صیانت»، «توازن عدالت» و «تعاون بر کرامت» در سه محور «کثرت»، «تبدیل نسبت» و «وحدت» مورد دقت قرار می‌گیرد.

۳/۱- تکامل حجیت یا گسترش تفقه در اسناد، استناد، اسناد:

اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی به تکامل حجیت بستگی دارد که به معنای گسترش تفقه در اسناد، استناد و اسناد می‌باشد. یعنی سطح ارتباط با مولا، هم از نظر رشد ظرفیت فهم در تفقه، هم از نظر قانونمند نمودن فهم در تفقه و هم از نظر تفاهم و بلوغ وسع اجتماعی در

اسقاء خطاب مولا باید توسعه پیدا کند تا بتوان در سعه جدیدی، اسلامی شدن مهندسی اجتماعی را توصیف نمود.

این گسترش و تکامل تفقه هم در «آسناد» واقع می‌شود هم در «استناد» و هم در «اسناد».

«آسناد»: منظور از آسناد آن چیزی است که در انتساب به مولا سندیت دارد که عبارتند از: کتاب، سنت، قول و فعل و تقریر معصومین، اجماع، سیره مستمره و فرهنگ شیعه.

البته این انتساب دارای قواعدی است که به کارگیری آن قواعد، اتصال یک سند را به وحی تمام می‌کند.

«استناد»: به معنای مستند کردن است و منظور نحوه نسبت دادن امور به وحی می‌باشد که دارای سه ویژگی است: اولاً: عقل متعبد واسطه در اثبات آن است و ثانیاً: موضوع آن بحث در دلالت است، ثالثاً: پایگاه آن نیز متکی بر نهایت تلاش و بذل جهد در انقیاد و تسلیم بودن نسبت به مولا است.

«اسناد»: به معنای هر آن چیزی است که وحی واسطه در اثبات آن باشد که این نیز دارای قواعدی است از قبیل قواعد فقه الاستنباط، قواعد فقهیه، و احکام خاص یا قواعد عمل مکلف.

بحث در تکامل حجیت در سه موضوع، کثرت، نسبت و وحدت قابل

مطالعه است که ذیلاً بدان می‌پردازیم:

۳/۲/۱- تعبد در تفقه:

پایگاه ارزشی تکامل حجیت یا گسترش تفقه به رعایت اصل «تعبد در تفقه» است. این اصل به عنوان بالاترین و ریشه‌ای‌ترین ملاک صحت تکامل در حجیت است که عبارت از: نهایت تلاش و بذل جهد در انقیاد و تسلیم بودن نسبت مولا می‌باشد و آن به معنای تکامل نسبت بین «تهور در گمانه»، «ابتهاال در گزینش» و «استظهار در پردازش» است.

«تهور در گمانه»: به معنای بی‌باکی و شجاعتی وصف ناپذیر و عاشقانه که بتواند تمامی احتمالات و گمانه‌های مرتبط در مسئله تفقه و دلالت خطابات شارع مقدس را جمع‌آوری نموده و همگی را با دقت بررسی نماید. در این سطح هر گونه اهمال و سستی و یا رعایت احترام سیاسی و فرهنگی بزرگان این علم که سبب شود گمانه‌ای از قلم بیفتد با نهایت تلاش و بذل جهد در انقیاد و سلم بودن در مقابل مولا منافات دارد و تنها حدی که در تهور عاشقانه در گمانه زدن وجود دارد حد ظرفیت فقیه است.

«ابتهاال در گزینش» به معنای نهایت تذلل و عجز و خشوع در گزینش یک احتمال و گمانه برتر در فهم دلالت خطابات و اسناد شارع مقدس می‌باشد. بعد از آن که فقیه، جمیع گمانه‌های مرتبط در مسئله تفقه و

دلالت اسناد شارع مقدس را جمع آوری نمود، باید بین گمانه‌ها برترین گمانه را گزینش نماید که در این عمل گزینش - به لحاظ خطیر بودن استناد آن گمانه به شارع مقدس - فقیه باید در نهایت عجز و ترس و خشوع نسبت به مولا این کار را انجام دهد زیرا هرگونه تنسک غیر مرجوح به یک گمانه و غفلت از سایر گمانه‌ها با اصل تعبد و انقیاد و تسلیم شدن در مقابل مولانا منافات دارد. در این حالت نیز حد عجز و ابتهال در گزینش، حد ظرفیت فقه است.

«استظهار در پردازش»: به معنای نهایت دقت عقلانی و رعایت جمیع قواعد در پردازش یا مسئله افتاء می‌باشد. بعد از آن که فقیه از بین احتمالات و گمانه‌ها، احتمال راجح را گزینش نمود در جمع بندی و نتیجه گیری و فتوا باید تمامی دقت های عقلانی خود را به کار گیرد. در این مرحله نیز هر گونه کاهلی و سستی و اعتماد به فتاوی موجود با بذل وسع عقلانی و نهایت جهد و تلاشی که لازمه انقیاد در مقابل مولا است منافات دارد.

در این حالت نیز حد ملاحظات عقلانی در استنباط، حد ظرفیت فکری فقیه است.

قواعدی که برای اثبات حجیت به کار گرفته می‌شوند سه دسته هستند: «قواعد عقلی»، «ارتکازات عرفی» و «اعتبارات عقلانی». کارآمدی قواعد عقلی در احراز مقام ثبوت و کارآمدی عرف در اخبار نسبت به «وقوع» و کارآمدی اعتبارات عقلانی در «مقام ایجاب» و اعتبارات، دستوری است.

تقنین حجیت به تنظیم و طبقه بندی و ایجاد نظام تناسبات بین این سه دسته در مرحله احراز حجیت و تکامل آن نیز به هماهنگی و انسجام بیشتر نسبت بین «احراز عقلی»، «اخبار عرفی» و «انشاء عقلانی» است.

۳/۱- تفاهم در تفقه:

به حجیت رسیدن نظام تفقه علاوه بر تعبد و تقنین، نیازمند به تفاهم اجتماعی می‌باشد که شاخصه تفاهم، ایجاد نظام یقین اجتماعی مناسب با آن نظام تفقه، نسبت به موضوعات متیقن مبتلا به در توسعه اسلامی جامعه و کارآمدی برتر آن نظام یقین در برابر نظام کفر است. علاوه بر این در تکامل تفاهم ایجاد هماهنگی و انسجام بیشتر در نسبت بین نظام یقین، موضوعات متیقن و کارآمدی یقین مدنظر می‌باشد.

۳/۲- اسلامیت معادلات

بعد از مرحله تکامل حجیت - که پایگاه اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی را مشخص می‌کرد - گسترش کارآمدی اسلامی در سه

مرحله ظهور پیدا می کند که عبارتند از:

«اسلامیت معادلات» (موضوعاً): دقت در نحوه «پیدایش معادله»، «تغییرات» و «تکامل» آن است تا بتواند یک نظام کارآمد و هماهنگ را ارائه نماید.

«اسلامیت معادلات» (موضوعات): باتوجه به اسلامیت معادلات (موضوعاً) از نظر «پیدایش»، «تغییرات» و «تکامل» هر موضوعی که در جامعه اسلامی وجود دارد اعم از امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظام های اجتماعی، مسائل ارتباطی، مسائل اداری و حقوقی، مسائل تولیدی، نحوه تولید و سفارشات تولید و... باید کارآمدیش درجهت تعبد و بندگی مشخص شود.

«اسلامیت معادلات» (اشار): اشار و ثمرات اسلامی شدن معادلات و گسترش آن در موضوعات جامعه، برتری تمدن اسلامی نسبت به تمدن الحادی است که باید این برتری در جمیع شؤون اجتماعی ظهور پیدا کند. جهت دستیابی به اسلامی شدن معادلات و ابزار مهندسی توسعه اجتماعی باید معادلات را در سه محور «کثرت»، «تبدیل نسبت» و «وحدت» مورد دقت و مطالعه قرار داد.

مشاهده استقرائی، مطالعه وضعیت معادله در موضوع کثرت است و آن عبارت از: ملاحظه تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد پژوهش است. در این مرحله هر چند دایره تتبع نسبت به نظرات ابراز شده در خصوص موضوع متناسب با زمان و گستره تحقیق، قابل اجمال و تفصیل است لکن نمی توان پژوهش های انجام شده قبلی را مطلقاً نادیده گرفت. البته مشاهده باید بر اساس نظام سؤالات از پیش طراحی شده انجام پذیرد و الا در مواجهه با حجم عظیم اطلاعات، برگردان خواهد شد. منظور از استقراء در این قسمت به معنای مشاهده ای است که به بیان عوامل و مراحل تغییر می انجامد که با استقراء در منطق صوری به معنای تکرار مشاهده نسبت به خصصیت خاصی از یک موضوع (مانند حرکت فک اسفل در حیوانات)، تفاوت دارد. در مشاهده مراحل ذیل صورت می پذیرد:

۱ - تأمین منابع اطلاعاتی

۲ - تجزیه موارد

۳ - تنظیم روند تحولات

۳/۲/۲ - سنجش قیاسی:

پس از مشاهدات استقرائی جهت اسلامیت معادلات، سنجش قیاسی مطرح می شوئد. سنجش قیاسی به معنای مقایسه کردن برای دست یافتن

به متغیرهای موضوع و نسبت بین متغیرهاست. در این مرحله نظام کیفی و کمی (که براساس آن موضوع قابلیت تجزیه و تحلیل پیدا میکند) به دست می‌آید.

سنجش، با منطق قیاسی و اندراجی صورت می‌پذیرد اما قیاسی که موضوع آن، ملاحظه مجموعه با عوامل آن است نه ملاحظه موضوعات مستقل از یکدیگر و بررسی لوازم ذاتی، موضوع آن، ملاحظه تغییرات مجموعه است نه صرفاً تحلیل هستی و بودن. براساس خصوصیت ذکر شده برای سنجش قیاسی مورد نظر، محورهای اصلی سنجش عبارتند از:

- «مفاهیم سازه»: مفاهیم سازه به معنای مفاهیم بنیانی در سنجش قیاسی است و منظور، انتخاب «واحد‌هایی» است برای بیان تعادل.

- «تخصیص مفاهیم»: تخصیص مفاهیم به معنای تعریف کیفی از تعادل است که نسبت بین مفاهیم سازه و واحدها را بیان می‌کند.

«توزین تأثیر مفاهیم»: توزین تأثیر مفاهیم به معنای تعریف کمی یا تعیین ضرائب است که قدرت مطالعه کمی تغییرات موضوع را داراست.

۳/۲-۳- آزمون و خطا:

در پی به دست آمدن فرضیه مورد نظر در مرحله قبل، حال می‌بایست در عمل این فرضیه را مورد آزمایش قرار داد و در این مقام، ابهامات را

رفع و اشتباهات را مرتفع نمود. این امر در گرو سه امر است: «تعیین شاخصه عینی، تشخیص وضعیت و برنامه آزمون».

ابتدا می‌بایست بر اساس نظر به دست آمده، شاخصه های عینی ارزیابی وضعیت را به دست آورد، سپس بر اساس آن شاخصه‌ها به ارزیابی وضعیت پرداخت و در نهایت براساس معادلات نظریت به دست آمده در عینیت تصرف نمود. در این مرحله است که می‌توان قضاوت نمود که آیا فرضیه ارائه شده در عمل، موفقیت خود را به اثبات رسانده است یا خیر؟ این سه امر (تعیین شاخصه، تشخیص وضعیت و آزمون) مبین وحدت در اسلامیت معادلات می‌باشد.

۳/۳ - جریان اسلامی اداره

بعد از اسلامی شدن معادلات که ابزار مهندسی توسعه نظام اجتماعی است، اسلامی شدن اداره نظام مطرح می‌شود که آن عبارت است از: «توسعه صیانت اسلامی»، «توازن عدالت اسلامی» و «تعاون بر کرامت اسلامی».

«توسعه صیانت»: صیانت به معنای مصون بودن که منظور، مصونیت جامعه از هرگونه آسیب است. برتری تمدن اسلامی که حاصل اسلامیت معادلات بود باید به گونه‌ای باشد که در تمامی شئون - اعم از شئون

سیاسی، فرهنگی و اقتصادی - اعتلا و برتری نظام اسلامی حفظ شده و توسعه یابد و جامعه اسلامی به مصداق آتم این آیه شریفه نائل شود که «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^۳.

«توازن عدالت»: حاصل توسعه صیانت اجتماعی، پیدایش «توازن عدالت» در جامعه است. توازن عدالت به معنای برقراری هماهنگی عدالت در تمامی شئون جامعه یعنی عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی و عدالت اقتصادی است. بنابراین چه بسا ممکن است در جامعه عدالت اقتصادی برقرار شود و همگان از نظر بهره‌وری مادی سهم باشند اما عدالت سیاسی برقرار نباشد. یعنی مردم با تحقیر زندگی کنند و یا اطلاعات فرهنگی، متناسب توزیع نگردد. بنابراین توازن عدالت به معنای برقراری عدالت در کل نظام است؛ یعنی عدالت سیاسی به معنای برقراری عدالت در کل نظام است؛ یعنی عدالت سیاسی به معنای حق مشارکت عمومی در تصمیم و عدالت فرهنگی به معنای حق دستیابی به اطلاعات و عدالت اقتصادی به معنای حق بهره‌وری مادی است.

«تعاون بر کرامت»: حاصل پیدایش توازن در عدالت، تعاون بر کرامت است. پیدایش کرامت در جامعه به معنای از بین رفتن حسادت اجتماعی - که نتیجه احساس رنج محرومیت از بی عدالتی است - و حرص

اجتماعی - که نتیجه احساس ترس از دست دادن موقعیت و اموال و اعتبارات - است.

تعاون بر کرامت یعنی همکاری و همیاری مردم در جامعه براساس کرامت انسانی که صفت روابط اجتماعی است و شاخصه کنترل و آثارعملی، برقراری توازن عدالت در جامعه است.

نسبت بین این سه وصف در جریان اسلامی اداره، در یک سیکل توسعه قرار دارد و مرتباً باید بهینه شود؛ یعنی ایجاد صیانت، زمینه ایجاد توازن در عدالت و آن زمینه ایجاد کرامت و ایجاد کرامت نیز توسعه صیانت، درگرددش مجدد می باشد. جریان اسلامی اداره ظهور و تحقق اسلامی شدن مهندسی توسعه اجتماعی است و در سه محور کثرت (تصمیم سازی)، نسبت (تصمیم گیری) و وحدت (اجرا) مطالعه و بررسی می گردد.

۳/۳/۱ - تصمیم سازی:

تصمیم سازی به دست کسانی است که قدرت پیش بینی، هدایت و کنترل تغییرات را داشته باشند. برآورد نسبت به آینده، توصیه نسبت به چگونگی راهبری به سمت آینده ای بهتر و بالاخره داشتن برآورد از هر مرحله تغییر، بر روی هم بدنه تصمیم سازی کشور را تشکیل می دهند. این سه امر (پیش بینی، هدایت، کنترل) مبین محور کثرت در جریان

اسلامی اداره است.

۳/۳/۲ - تصمیم گیری:

پس از تصمیم سازی امکان تصمیم گیری فراهم می گردد، در تصمیم گیری هماهنگی بین سه امر ملاحظه می شود: «اهداف، موانع، مقدورات». با ملاحظه متناسب این سه امر، می توان حداکثر بهره برداری را از توان موجود برای غلبه بر موانع و پیش رفتن به سمت اهداف مورد نظر، به عمل آورد. این سه امر (ملاحظه اهداف، موانع، مقدورات) مبین تبدیل نسبت در جریان اسلامی اداره است.

۳/۳/۳ - اجرا

به دنبال تصمیم گیری، اجرای تصمیمات قرار دارد. برای اجرای تصمیمات، باید نظام اجرایی متناسبی را طراحی نمود که مشکل است از «سازمان، برنامه، گردش عملیات» در سازمان، تقسیم وظایف انجام گرفته و نظام مناصب اجرایی شکل می گیرد و بدین ترتیب حدود اختیارات هر فرد معین می گردد. در «برنامه» ترتیب و توالی فعالیت های اجرایی که به تحقق تصمیمات منجر می گردد، مشخص می شود. در «گردش عملیات» پس از امکان سنجی مقدورات و زمان بندی فعالیت ها، معلوم می گردد که چه کسی در چه زمانی با چه مقدراتی چه فعالیتی را انجام دهد. این سه

۴۶ ■ چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام اجتماعی

امر (سازمان، برنامه، گردش، عملیات) مبین وحدت در جریان اسلامی است.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

جدول طبقه بندی آموزشی «کاربرد عملی» چگونگی اسلامی شدن

مهندسی توسعه نظام اجتماعی

مباحث محوری (در کاربرد عملی) محورهای مباحث کاربرد عملی	تکامل حجیت یا گسترش تفقه در ۱- اسناد ۲- استناد ۳- اسناد	اسلامیت معادلات یا گسترش کارآمدی اسلامی در ۱- نظام کارآمد ۲- محصولات نظام ۳- برتری تمدن اسلامی	جریان اسلامی اداره یا گسترش بهینه اسلامی ۱- توسعه صیانت ۲- توازن عدالت ۳- تعاون بر کرامت
محور اول کاربرد عملی زیرساخت تولید کثرت (در یک کل متغیر) اجتماعی	تعبید در تفقه یا تکامل نسبت بین ۱- تهور در گمانه ۲- ابتهال در گزینش ۳- استظهار در پردازش	مشاهده استقرائی ۱- تأمین منابع اطلاعاتی ۲- تجزیه موارد ۳- تنظیم روند تحولات	تصمیم سازی در هماهنگی نسبت بین ۱- پیش بینی ۲- هدایت ۳- کنترل
محور دوم کاربرد علمی زیرساخت تبدیل نسبت (در یک کل متغیر) اجتماعی	تقنین در تفقه با تکامل نسبت بین ۱- احراز عقلی ۲- اخبار عرفی ۳- انشاء عقلانی	سنجش قیاسی ۱- مفاهیم سازه ۲- تخصیص مفاهیم ۳- توازن تأثیر مفاهیم	تصمیم گیری در هماهنگی نسبت بین ۱- اهداف ۲- موانع ۳- مقدمات
محور سوم کاربرد علمی زیرساخت تولیدوحدت (در یک کل متغیر) اجتماعی	تفاهم در تفقه با تکامل نسبت بین ۱- نظام یقین ۲- موضوعات متیقن ۳- کارآمدی یقین	آزمون وخطا ۱- تعیین شاخصه عینی ۲- تشخیص وضعیت ۳- برنامه آزمون	اجراء در هماهنگی نسبت بین ۱- سازمان ۲- برنامه ۳- گردش عملیات

